

بررسی نتایج عملیات طوفان الاقصی بر اساس دکترین نظامی رژیم صهیونیستی

حسن محمدی منفرد^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۲۲

پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۹/۲۹

چکیده

عملیات طوفان الاقصی، زمین‌لرزه راهبردی را برانگیخت که ارتش رژیم صهیونیستی و دکترین آن را تا حد زیادی تکان داد و مجموعه‌ای از سؤالات را در مورد استراتژی‌های آینده برانگیخت. مقاله حاضر که با رویکرد کیفی و با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است در پی پاسخ به این پرسش می‌باشد؛ ارزیابی عملیات طوفان الاقصی بر اساس اصول دکترین نظامی رژیم صهیونیستی به چه صورت می‌باشد؟ نگارنده مقاله با مطالعه اسنادی و بررسی اسناد مراکز مطالعاتی و مصاحبه‌های تحلیلگران برجسته جهان و حتی صاحب‌نظران رژیم صهیونیستی، ضمن ارائه تصویری از توانمندی نظامی رژیم صهیونیستی و احصاء اصول دکترین نظامی آن، به این نتیجه رسیده است که رژیم صهیونیستی در هر چهار اصل دکترین نظامی خود یعنی (بازدارندگی، هشدار سریع، تصمیم‌گیری نظامی و دفاع مدنی) شکست خورده است. همچنین نتایج بدست آمده در خصوص آینده جنگ و چالش آینده رژیم صهیونیستی بیانگر این نکته با اهمیت می‌باشد که؛ رژیم صهیونیستی نه تنها توان و ظرفیت بازدارندگی در برابر گروه‌های مقاومت را ندارد بلکه فقط در فضای بازدارندگی از طریق مجازات و بدون محاسبه در زمینه پایان منازعه، وارد یک جنگ ویرانگر و فرسایشی در نوار غزه شده است.

واژگان کلیدی: عملیات طوفان الاقصی، رژیم صهیونیستی، دکترین نظامی، توانمندی نظامی، بازدارندگی.

۱. مقدمه

اولین مؤلفه اساسی تأثیرگذار در تفکر امنیت ملی رژیم صهیونیستی، مسئله تهدید وجودی است. لذا «بن‌گورین» امنیت ملی رژیم صهیونیستی را «دفاع از هستی» بیان می‌کند (نجاس، ۱۴۰۰: ۱۲). در ساختار سیاسی رژیم صهیونیستی این تفکر مطرح است که تهدید مذکور می‌تواند همه موجودیت آن را از بین ببرد. چراکه؛ هر جنگی ممکن است به‌عنوان آخرین نبرد، به موجودیت این رژیم خاتمه دهد و یا ضربه اساسی وارد کند. از این رو تلاش شده تا نه تنها مانع آغاز جنگ، بلکه مانع شکل‌گیری هر اقدامی برای حمله شده و این موضوع را از طریق بازدارندگی و تولید یک قدرت بازدارنده دنبال می‌نمایند. بر این اساس، ارتش رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس این رژیم، همواره درصدد بازنگری در دکترین و راهبردهای نظامی خود بر اساس محیط راهبردی و عملیاتی می‌باشد. در رویکردها و راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی به‌خصوص در راهبرد «گیدئون»^۱ (۲۰۱۶) و «تنوفا»^۲ (۲۰۲۰) تأکید ویژه‌ای بر بهبود عملکرد واحد اطلاعات نظامی و چرخه‌های اطلاعاتی با بهره‌گیری از فناوری‌های نو ظهور شده است؛ چراکه به اعتقاد مقامات رژیم صهیونیستی، «اطلاعات نظامی ارتش» همانند چشم بینای رژیم صهیونیستی در تشخیص تحرکات نظامی علیه آن می‌باشد و می‌تواند این رژیم را در برابر حملات احتمالی مراقبت نماید (گروس^۳، ۲۰۱۹: ۱۰). با این وجود، در تاریخ هفتم اکتبر سال ۲۰۲۳ میلادی و در زمان پنجاهمین سالگرد شروع جنگ رمضان، معروف به جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ نیروهای مقاومت حماس با عبور از دیوار حائل بین نوار غزه و سرزمین‌های اشغالی، عملیات طرح‌ریزی شده و گسترده‌ای را در قلمروهای سایبری، زمینی، هوایی و دریایی به سرزمین‌های در اشغال رژیم صهیونیستی انجام دادند.

این عملیات در حالی انجام گرفت که اندیشکده‌ها، مؤسسات مطالعاتی و سران دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی در برآوردهای اطلاعاتی خود همواره بر این

1. Gideon

2. Tnufa (Momentum)

3. Gross

موضوع تأکید می‌کردند که حماس به دنبال جنگ نیست و نمی‌خواهد غزه را وارد جنگ نماید. این رژیم همواره تأکید می‌کرد که توانسته است حماس و قدرت نظامی این جنبش را کنترل نماید. در این خصوص می‌توان به اظهارات مقامات رسمی این رژیم در کنفرانس امنیتی هرتزیلای ۲۰۲۳ از جمله سخنرانی «هرتزی هالوی»^۱ رئیس ستاد کل ارتش، سخنرانی «آهارون حالیوا»^۲ رئیس اداره اطلاعات ارتش (آمان)، «تزاچی هانگی» مشاور امنیت ملی، «یوآو گالانت»^۳ وزیر جنگ، «ایال زامیر»^۴ مدیرکل وزارت جنگ و «بنی گانتس»^۵ وزیر جنگ سابق رژیم صهیونیستی اشاره نمود (هرتزیلیا، ۲۰۲۳)^۶ لذا مهمترین مؤلفه‌ای که در این عملیات می‌توان روی آن تأکید کرد، موضوع غافلگیری به همراه عملیات نفوذ و هماهنگی در طرح‌ریزی و اجرای عملیات توسط نیروهای حماس می‌باشد.

حماس، راهبردهای نظامی رژیم صهیونیستی از جمله «جنگ تهاجمی و کشاندن جنگ به سرزمین دشمن» را به خوبی علیه خود رژیم به کار گرفت و با شکست دادن ارتش رژیم صهیونیستی در حوزه‌های اطلاعاتی، نظامی و تکنولوژیکی، توانست هیبت این رژیم را در داخل رژیم صهیونیستی و در دنیا از بین ببرد و ضربه‌ای بسیار بی‌سابقه بر پیکره آن وارد کند. رهبر انقلاب اسلامی روز ۱۸ مهرماه در واکنش به این وقایع فرمودند: «در این قضیه‌ی پانزدهم مهر به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به غیر قابل ترمیم بودن است.» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۲/۰۷/۱۸)

با توجه به همین رویکرد، در این پژوهش کوشش می‌شود دستاوردهای نظامی عملیات طوفان الاقصی بر اساس اصول دکترین نظامی در رژیم صهیونیستی تبیین گردد. لذا با مطالعه اسنادی، ضمن ارائه تصویری از قابلیت‌های نظامی رژیم صهیونیستی با بیان اصول

1. Herzi Halevi
2. Aharon Haliva
3. Yoav Galant
4. Eyal Zamir
5. Benny Gantz
6. Herzliya

دکترین نظامی در رژیم صهیونیستی به تبیین نحوه شکست رژیم در هر یک از این ارکان پرداخته می‌شود.

۲. ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱. پیشینه شناسی تحقیق

«بردبار» و «عالیشاهی» در پژوهشی با عنوان «تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی به آفندی)» (۱۴۰۲) به این نتیجه‌گیری دست یافتند که سه عامل اصلی گذار از اقدامات پدافندی به آفندی، واکنش به توافق‌نامه آبراهام و تغییر پارادایم مقاومت، عوامل اصلی جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ بوده‌اند. نویسندگان همچنین، برای سطح‌بندی از روش مدل‌سازی ساختاری-تفسیری استفاده کردند که به ترتیب: در سطح اول (گذار از اقدامات پدافندی به آفندی)، سطح دوم (واکنش به توافق‌نامه آبراهام) و (تغییر پارادایم مقاومت) در سطح سوم قرار گرفت.

«مقومی» و «قادری کنگاوری» در مقاله «تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی» (۱۴۰۱) در پی پاسخ دادن به این سؤال که اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی در چه حوزه‌هایی تغییر و در چه حوزه‌هایی تداوم داشته است، به این نتیجه رسیدند که اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی با گذشت بیش از هفتاد سال از موجودیت رژیم اشغالگر قدس، در برخی موارد تداوم داشته و در برخی موارد نیز با تغییر شرایط راهبردی این رژیم و همچنین مطرح‌شدن موضوعات جدید در حوزه نظامی‌گری و جنگ‌افزارها و به‌طورکلی تغییر شکل و نوع تهدیدات از تهدیدات سخت به تهدیدات هوشمند، دگرگون شده است که همین امر بر دکترین نظامی و امنیتی این رژیم نیز تأثیر گذاشته است.

«قیاسی» در مقاله «تحول مفهوم بازدارندگی در چارچوب راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی» (۱۳۸۹) با بهره‌گیری از نظریه جنگ‌های نامتقارن و با تأکید بر جنگ ۳۳ روزه رژیم صهیونیستی علیه حزب‌الله، به تحول مفهوم بازدارندگی در چارچوب راهبرد

امنیت رژیم صهیونیستی می‌پردازد. بازدارندگی به عنوان یک اصل اساسی در دکترین استراتژیک رژیم صهیونیستی، برداری از اهداف را نشانه رفته است که از «تأمین امنیت روزمره» شروع می‌شود و به «جلوگیری از جنگ‌های متعارف» از سوی ارتش‌های عربی می‌رسد و سرانجام به «ممانعت از جنگ غیرمتعارف و وادار کردن مسلمانان منطقه به پذیرفتن موجودیت رژیم صهیونیستی» ختم می‌شود. اما این بازدارندگی صرفاً در جلوگیری از جنگ‌های متعارف به موفقیت‌هایی رسیده و در جلوگیری از تهدیدات روزمره و نیز ناگزیر ساختن کشورهای منطقه به شناسایی رژیم صهیونیستی، با وجود برخی دستاوردهای محدود، نتوانسته است دستاوردهای چشمگیری داشته باشد.

«سَمَن»^۱ در پژوهشی با عنوان «پیروزی قاطع و تلاش اسرائیل برای یک استراتژی نظامی جدید» (۲۰۲۳) بر این باور است که در سال ۲۰۲۰، نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی (IDF) توسعه یک مفهوم عملیاتی جدید به نام «پیروزی قاطع» را اعلام کردند که هدف آن تغییر شیوه مبارزه رژیم صهیونیستی در جنگ و تعریف مجدد پیروزی در میدان نبرد است. علت اصلی این تغییر، تحول در تهدیدات غیردولتی از سوی گروه‌های مسلح در غزه و لبنان بود. هدف این بود که اصلاحات اساسی ارتش رژیم صهیونیستی در آموزش، قابلیت همکاری میان خدمات، تهیه تسلیحات، و روابط نظامی-نظامی انجام شود. باین حال، این تلاش‌ها با چالش‌های مهمی از نظر سیاسی، منابع مالی و پیامدهای ساختار نیروی ارتش رژیم صهیونیستی مواجه شد. این مقاله به بررسی این تحولات می‌پردازد تا راه تحول جنگ در خاورمیانه و مبارزه در داخل ارتش رژیم صهیونیستی برای بازتعریف وضعیت خود را روشن کند.

«یوسف»^۲ در مقاله «دکترین‌های نظامی در اسرائیل و ایران: یک ترکیب دکترینی» (۲۰۲۱) به بررسی تطبیقی منشأ دکترین‌های نظامی در رژیم صهیونیستی و ایران می‌پردازد که در قطب‌های وضع موجود و تجدیدنظرطلبی در خاورمیانه قرار دارند. در یک ترکیب مفهومی، هر دو طرف به‌طور استراتژیک در حالت تدافعی قرار می‌گیرند اما از نظر

1.Samaan,jL

2.Yossef,A

عملیاتی عناصر دفاعی را با عناصر تهاجمی ترکیب می‌کنند. این ترکیب‌ها توسط انگیزه‌های فرهنگی قدرتمند و منافع سازمانی در هر کشور پشتیبانی می‌شود. این پیامدها درک ما را از ماهیت دکترین نظامی غنی می‌کند و یکی دیگر از عوامل مؤثر در بی‌ثباتی منطقه را نشان می‌دهد.

«آریل لویت»^۱ در کتاب «حمله و دفاع در دکترین نظامی اسرائیل» (۲۰۱۹) ادبیات موجود در مورد دکترین‌های نظامی به‌طور کلی، و دکترین‌های تهاجمی به‌طور خاص، و همچنین در مورد علل رکود آنها و منابع نوآوری بحث می‌کند. این نوشتار زمینه را برای بررسی تاریخی تحلیلی دکترین نظامی تهاجمی رژیم صهیونیستی فراهم می‌کند.

«بدری عید»^۲ در پژوهش «ناآرامی‌های سیاسی داخلی و تغییر دکترین نظامی در همسایگی: قیام‌های عرب و اسرائیل (۲۰۱۱-۲۰۱۵)» (۲۰۱۹) با به‌کارگیری این سؤال پژوهشی در مورد قیام‌های اعراب و رژیم صهیونیستی از دیدگاه نخبگان رژیم صهیونیستی، به بررسی چرایی و چگونگی تأثیر قیام‌های فوق بر دکترین نظامی رژیم صهیونیستی می‌پردازد و بررسی می‌کند که آیا مؤلفه‌های خاص این رویکرد چگونه بر دکترین نظامی رژیم صهیونیستی تأثیر گذاشته است. یافته‌های کلی حاکی از آن است که قیام‌های اعراب تأثیرات قوی و متنوعی بر مؤلفه‌های دکترین نظامی رژیم صهیونیستی دارد. این تأثیرات را می‌توان با تأثیرات جنگ‌های منطقه‌ای و درگیری‌های نظامی مقایسه کرد، زیرا نقشه خطرات و تهدیدات امنیتی را تغییر داده است.

۲-۲. ادبیات نظری

مفهوم «بازدارندگی»^۳ در معنا و مفهوم سنتی، همواره در طول تاریخ وجود داشته است. این مفهوم در خلال دهه‌های گذشته با بسط و تعمیق قدرت کشورها توسعه بیشتری یافته و با ایجاد فناوری هسته‌ای در کنار واژه سلاح اتمی و کشتار جمعی خود را قرار داده، به گونه‌ای

-
1. Levite, A
 2. Badry Eid. M.
 3. Deterrence

که به‌عنوان رویکرد روانی و ذهنی مثبت در برابر سلاح هسته‌ای قرار می‌گیرد که بار روانی منفی به ذهن متبادر می‌سازد. در واقع خوانش نوین این مفهوم از لحاظ نظری مولود دوران پساجنگ جهانی دوم است (سنز، ۲۰۲۳^۱)

در تعریف و تبیینی جامع می‌توان بازدارندگی را این‌گونه تعریف نمود: «بازدارندگی تلاشی است جهت کنترل رفتار دیگر بازیگران که این امر با استفاده از تهدید صورت می‌پذیرد». بنابراین بازدارندگی به هرگونه اقدامی که جهت پیشی جستن بر اقدامات خصمانه دشمن صورت می‌گیرد، اطلاق می‌گردد. بازدارندگی در بدیهی‌ترین و اصلی‌ترین کارکرد خود تلاش می‌کند با اعمال نفوذ در فرد، نهاد یا یک کشور بتواند آنان را از انجام و اجرای اقدامات سیاسی، امنیتی و نظامی منع نماید تا درنهایت متحمل خسارت یا هزینه‌ای نگردد (ابراهیمی و مشیرزاده، ۱۴۰۰).

یکی از اصول و مشاهدات راهنمای تدوین مفهوم امنیت ملی رژیم صهیونیستی، بازدارندگی می‌باشد. در این راستا رژیم صهیونیستی همواره به دنبال ایجاد ظرفیت‌های بازدارنده در سطوح مختلف می‌باشد. این کار هم برای ملغی کردن حملات علیه تمامیت ارضی و جمعیت رژیم صهیونیستی و هم برای جلوگیری از هرگونه تهدید علیه موجودیت این کشور بیان شده است. البته این موضوع همچنین در «دکترین بگین» مشاهده می‌شود، که توسط نخست‌وزیر بگین بعد از «عملیات اپرا» علیه تأسیسات هسته‌ای عراق در سال ۱۹۸۱ که باعث از بین رفتن زرادخانه اتمی یک قدرت منطقه‌ای شد، به‌عنوان بخشی از حرکات بازدارنده رژیم صهیونیستی، اعلام شد.

رژیم صهیونیستی در راستای بازدارندگی و به جهت دور کردن نبردها از مرزهای خود، در زمان‌های صلح با ایجاد قابلیت‌ها و پارامترهای دفاعی و در زمان جنگ از طریق کشاندن جنگ‌ها به سرزمین دشمن عمل می‌نماید. برای بازدارندگی، دفاع مؤثر و پیروزی در شرایط لازم، رژیم صهیونیستی باید یک برتری کیفی بر دشمنان خود داشته باشد. این موضوع عموماً از طریق استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته و نیروی انسانی با صلاحیت بالا محقق می‌شود. خصوصاً این موضوع در واحدهای فرماندهی رژیم صهیونیستی بسیار نمود

دارد. رژیم صهیونیستی هر کار لازمی را برای حفظ و افزایش این برتری کیفی خود انجام می‌دهد. (یاکو امیدور،^۱ ۲۰۲۱)

در این خصوص، ارتش رژیم صهیونیستی از زمان تأسیس این رژیم همواره درصدد بازنگری در دکترین و راهبردهای نظامی خود بر اساس محیط راهبردی و عملیاتی خود می‌باشد. به‌گونه‌ای که در اوایل سال ۲۰۰۰ و با عنایت به تهدیداتی که متوجه رژیم صهیونیستی بوده و یا درس آموخته‌هایی که این رژیم از جنگ‌هایی که علیه دشمنان خود تحمیل کرده بود، تلاش‌هایی برای تدوین راهبردهای نظامی در ارتش این رژیم انجام شد. در ادامه تعدادی راهبرد نظامی تدوین شدند و به‌تبع این راهبردها، برنامه چندساله نظامی با عنوان طرح‌های «کلا»^۲ (۲۰۰۲)، «تیفن»^۳ (۲۰۰۷)، «تیوزا»^۴ (۲۰۱۳)، «گیدئون»^۵ (۲۰۱۶) و «تنوفا» (۲۰۲۰) ارائه شدند.

در سال ۲۰۲۰ و در راستای ایجاد قابلیت‌های نظامی، نیروهای دفاعی رژیم صهیونیستی (IDF) توسعه یک مفهوم عملیاتی جدید به نام پیروزی قاطع را اعلام کردند که هدف آن تغییر شیوه مبارزه رژیم صهیونیستی در جنگ و تعریف مجدد پیروزی در میدان نبرد است. علت اصلی این تغییر، تحول در تهدیدات غیردولتی از سوی گروه‌های مسلح در غزه و لبنان بود. هدف این بود که اصلاحات اساسی ارتش رژیم صهیونیستی در آموزش، قابلیت همکاری میان خدمات، تهیه تسلیحات، و روابط مدنی- نظامی انجام شود. مهم‌ترین تصمیم تا به امروز، تصویب طرح تنوفا است که در ابتدا برای دوره ۲۰۲۰-۲۰۲۴ راه‌اندازی شد. به‌طورمعمول، برنامه‌های چهارساله باعث افزایش نیرو، آموزش، تخصیص منابع و کارایی کلی ارتش رژیم صهیونیستی می‌شود. بر اساس بیانیه‌های عمومی ارتش رژیم صهیونیستی، در طرح جدید به ایده «چندبعدی» و «چند نیرو» بودن اشارات زیادی

-
1. Yaakov Amidror
 2. kela
 3. Tefen
 4. Teuza
 5. Gideon

داشته است؛ یعنی ادغام بیشتر منابع دریایی، زمینی، هوایی، سایبری و اطلاعاتی (سمان)^۱، ۲۰۲۳: ۹). این طرح تأکید بیشتری بر سیستم‌های بدون سرنشین و مهمات هدایت‌شونده دقیق دارد. هوش مصنوعی (AI) نیز نقش مهمی در حمایت از هماهنگی بین واحدها خواهد داشت. پلتفرم‌ها و سیستم‌های تسلیحاتی که توسط ارتش رژیم صهیونیستی به کار می‌روند به‌طور فزاینده‌ای هوش مصنوعی را در خود جای می‌دهند و مجتمعی برای متمرکز کردن این تحول دیجیتالی توسط ستاد کل ایجاد شده است (همان: ۱۰).

این رژیم در طرح تنوفا با اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای از جمله؛ تقویت توانایی‌های رزمی یگان‌های عملیاتی به‌ویژه در جنگ شهری، بهبود چرخه‌های اطلاعاتی و کسب آمادگی یگانی از جمله در بعد نیروی انسانی متخصص و حرفه‌ای به دنبال دستیابی به پیروزی قاطع و سریع می‌باشد. یکی از اهداف اجرای طرح تنوفا آمادگی برای نبرد نظامی در نوار غزه می‌باشد. لذا پیامد موضوعات فوق باعث شده تا رژیم صهیونیستی بتواند ظرفیت‌های اطلاعاتی و عملیاتی خود را در منطقه توسعه بدهد، از امکانات سنتکام استفاده و با خرید و فروش و تکمیل انواع سلاح‌ها و مهمات و نیز تغییر ساختارهای خود، بیش‌ازپیش در منطقه حضور مؤثری داشته باشد. به‌گونه‌ای که رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از قدرت‌های نظامی منطقه محسوب می‌شود و سالانه، حدود ۳۸ میلیارد دلار از ایالات متحده آمریکا، کمک مالی دریافت می‌کند.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از منظر هدف تحقیقی کاربردی - توسعه‌ای می‌باشد. نتایج حاصل از این تحقیق مورد استفاده عملی مسئولان سیاسی، فرماندهان نظامی و تصمیم‌گیران وزارت امور خارجه قرار خواهد گرفت. رویکرد پژوهش حاضر کیفی بوده و از نظر روش در زمره تحقیقات توصیفی و تحلیلی است. گردآوری داده‌ها با روش کتابخانه‌ای، ابزار فیش‌برداری و تحلیل متن اسناد مراکز مطالعاتی، مصاحبه‌های تحلیلگران برجسته جهان و صاحب‌نظران رژیم صهیونیستی و سایر نظریات استفاده شده است.

۴. یافته‌های پژوهش و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

۴-۱-۱. ویژگی‌های ارتش رژیم صهیونیستی

رژیم صهیونیستی، یکی از قدرتمندترین ارتش‌های منطقه خاورمیانه را در اختیار دارد و از تجهیزات نظارتی پیشرفته و تسلیحات مدرن بهره می‌برد. بر اساس موازنه نظامی «مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک» (IISS)^۱ در سال ۲۰۲۳، این رژیم دارای ۱۶۹۵۰۰ پرسنل نظامی فعال در ارتش، نیروی دریایی و شبه‌نظامی است. علاوه بر آن، ۴۶۵ هزار نیروی ذخیره در ارتش رژیم صهیونیستی وجود دارد که ۸ هزار نفر از آنها، نیروهای شبه‌نظامی هستند. برخی از ۳۰۰ هزار نیروی نظامی رژیم صهیونیستی، هم‌اکنون در نزدیکی نوار غزه مستقر شده‌اند.

بر اساس اطلاعات منتشرشده توسط مؤسسه مذکور، تجهیزات زیر در زرادخانه‌های نظامی رژیم صهیونیستی، به چشم می‌خورد:

الف) پرسنل نظامی

- ۱۶۹ هزار و ۵۰۰ پرسنل فعال نظامی
- ۴۶۵ هزار نیروی ذخیره

ب) نیروی زمینی

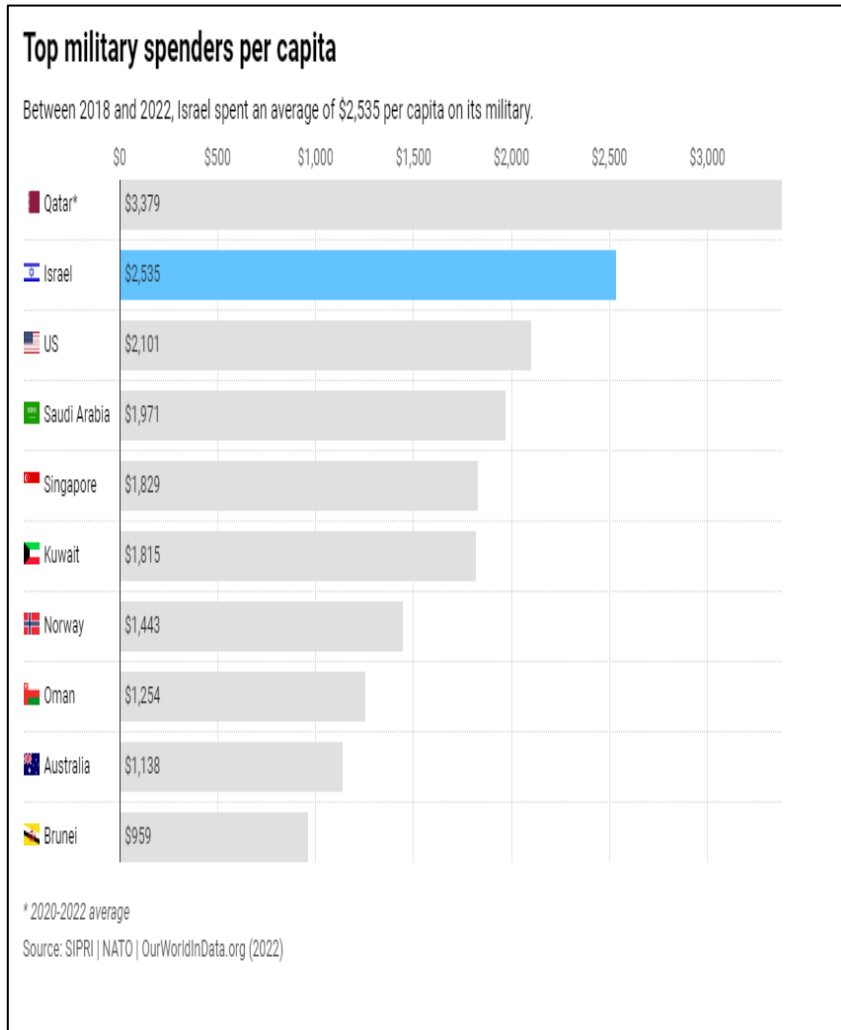
- بیش از ۲ هزار و دویست عدد تانک
- ۵۳۰ توپخانه فعال (SP, Towed, MRL, MOR)

پ) نیروی هوایی

- ۳۳۹ هواپیمای توانمند رزمی شامل ۳۰۹ جت تهاجمی از جمله، ۱۹۶ عدد جنگنده F-16، ۸۳ عدد جنگنده F-15 و ۳۰ عدد جنگنده F-35
- ۱۴۲ عدد هلیکوپتر از جمله ۴۳ عدد هلیکوپتر تهاجمی آپاچی

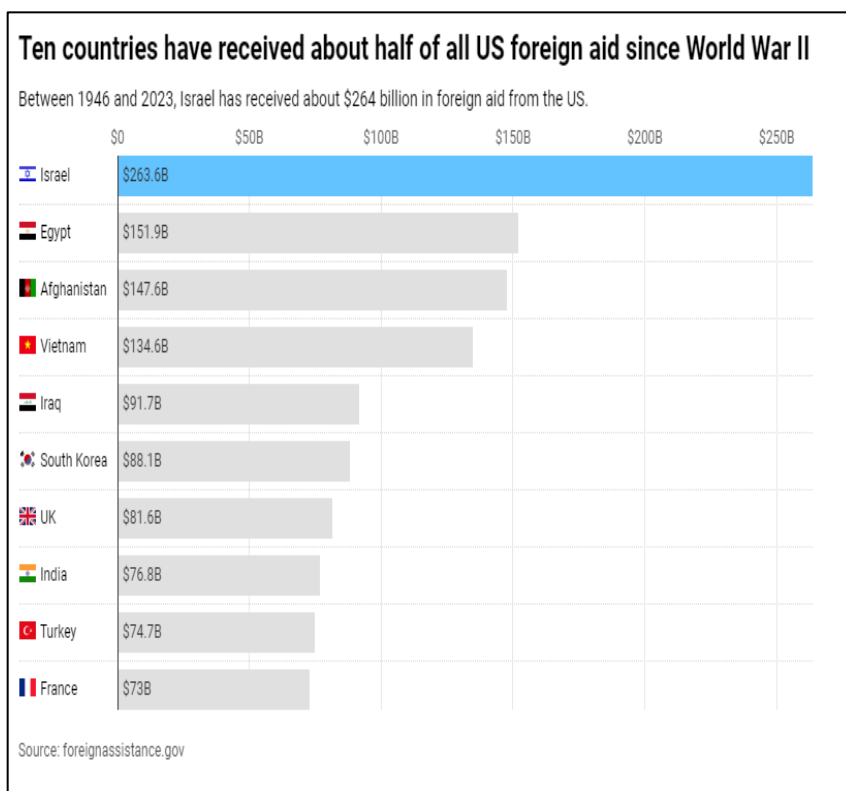
ت) نیروی دریایی

- ۵ عدد زیردریایی
- ۴۹ عدد شناور جنگی ساحلی و گشتی دریایی (مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، ۲۰۲۳^۱)



تصویر شماره ۱. آمار هزینه کرد سرانه نظامی ده کشور برتر در جهان

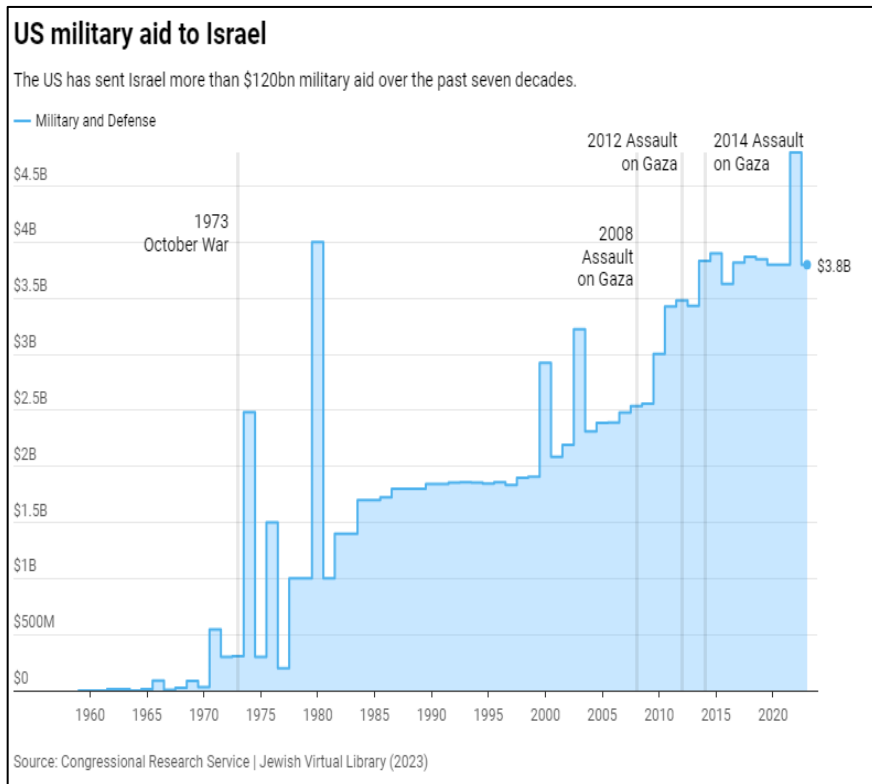
بر اساس گزارش منتشرشده توسط موسسه صلح استکهلم (SIPRI) رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۲، ۲۳.۴ میلیارد دلار در زمینه نظامی هزینه کرده است. این رقم در دوره زمانی ۲۰۱۸ الی ۲۰۲۲، به ۲.۵۳۵ دلار هزینه سرانه رسیده است به گونه‌ای که؛ رژیم صهیونیستی را به دومین هزینه کننده سرانه نظامی در جهان بعد از قطر تبدیل می‌کند. چراکه در سال ۲۰۲۲، رژیم صهیونیستی ۴.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی (GDP)^۱ خود را به صنعت نظامی‌اش اختصاص داد که دهمین درصد بالا در جهان محسوب می‌شود (موسسه تحقیقات صلح بین المللی استکهلم،^۲ ۲۰۲۲).



تصویر شماره ۲. آمار ده کشوری که بیش از نیمی از کمک‌های نظامی آمریکا را بعد از جنگ جهانی دوم به خود اختصاص داده‌اند (foreignassistance.gov, 2023)

1. Gross domestic product
2. Stockholm International Peace Research Institute

در فاصله سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۲، رژیم صهیونیستی هزینه‌ای بالغ بر ۲.۷ میلیارد دلار را به واردات تسلیحات اختصاص داده است. این واردات، تنها از دو کشور آلمان و ایالات متحده آمریکا، صورت پذیرفته است. از هزینه ۲.۷ میلیارد دلاری اختصاص یافته برای واردات تسلیحات، ۲.۱ میلیارد دلار صرف خرید از آمریکا و ۵۴۶ میلیون دلار به خرید سلاح از آلمان اختصاص یافته است. ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی در تمرینات مشترک، برنامه‌های توسعه فناوری و پروژه‌های دفاعی، همکاری نزدیکی دارند و ارتش رژیم صهیونیستی، بزرگترین دریافت‌کننده کمک‌های نظامی ایالات متحده است. به طوری که بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۲۰۲۳ حدود ۲۶۳ میلیارد دلار کمک نظامی دریافت کرده است. این تقریباً دو برابر (۱.۷ برابر بیشتر) از دومین دریافت‌کننده کمک خارجی ایالات متحده (مصر) که در ۷۷ سال گذشته ۱۵۱.۹ میلیارد دلار دریافت کرده است.



تصویر شماره ۳. کمک‌های نظامی آمریکا به رژیم صهیونیستی

بودجه نظامی اختصاص یافته آمریکا به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳ به بیش از ۳۸ میلیارد دلار رسید که بخشی از رکورد ۳۸ میلیارد دلاری طی ۱۰ سال است که در زمان باراک اوباما، رئیس‌جمهور سابق آمریکا در سال ۲۰۱۶ امضا شد. بین سال‌های ۱۹۴۶ تا ۲۰۲۳، ایالات متحده در مجموع ۱۲۴ میلیارد دلار به رژیم صهیونیستی در قالب کمک‌های نظامی و دفاعی اختصاص داده است. از ۳۸ میلیارد دلار کمک نظامی ارائه شده به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۲۳، نیم میلیارد آن برای دفاع موشکی رژیم صهیونیستی بوده است.

۲-۱-۴. رهنامه نظامی و دفاعی رژیم صهیونیستی

محیط امنیت ملی رژیم صهیونیستی از ابتدای تأسیس با چالش‌های فراوانی از سوی اعراب بالخصوص فلسطینی‌ها مواجهه بوده است و متناسب با ماهیت نامشروع خود و تصور تهدیدی که از بازیگران مقابل داشته، سعی کرده تا امنیت ملی محیط داخل و پیرامون خود را ابتدا از سوی اعراب، سپس گروه‌های جهادی و محور مقاومت حفظ کند و در این خصوص توان بازدارندگی را برای حفظ و بقا افزایش دهد. مفهوم امنیت از سوی راهبرد نویسان نظامی رژیم صهیونیستی عبارت‌اند از:

- (۱) ایجاد و حفظ دوره‌های طولانی آرامش امنیتی به منظور توسعه جامعه، علم و فناوری، اقتصاد و نیز بهبود کسب آمادگی برای موارد بحران و جنگ؛
- (۲) ایجاد بازدارندگی در محیط منطقه‌ای علیه عناصری که می‌تواند تهدیدی جهت تقویت یک نیروی نظامی قوی و مرتبط باشد و همچنین، تصمیم‌گیری برای استفاده از توان کامل نیروی نظامی در صورت لزوم؛
- (۳) در مرحله مقدماتی - اجرایی تقویت، ایجاد نیرو و حفظ بازدارندگی در برابر تهدید اصلی. در عین حال، هماهنگی با تمام سازمان‌های دفاعی در اجرای اقدامات یکسان جهت جلوگیری از قابلیت و توان دشمن برای ایجاد نیروی تهدیدکننده؛
- (۴) در موارد بحران و جنگ به سرعت با حداقل رساندن آسیب به دولت و افزایش بازدارندگی رژیم صهیونیستی در منطقه، تهدید از بین برود (آلیسون، ۲۰۱۶: ۵).

بنابراین طرح‌ریزی هر نوع استراتژی باید بر اساس همین شرایط موجود باشد. از این فرض‌ها و اصولی که برای سیاست امنیتی رژیم صهیونیستی مطرح شد، دکترین نظامی آن رژیم مبتنی بر اصول چهارگانه زیر شکل گرفته است:

۱-۲-۱-۴. بازدارندگی

اگرچه سابقه این اصل به سال ۱۹۴۸ برمی‌گردد و از آن زمان، رژیم صهیونیستی همواره بر سیاست‌های بازدارندگی برای جلوگیری از حملات خارجی تأکید کرده است. به صورت ویژه پس از شکست اولیه رژیم صهیونیستی در جنگ سال ۱۹۷۳، دکترین نظامی رژیم صهیونیستی به این سمت حرکت کرد که تل‌آویو بایستی از چنان قدرت نظامی برخوردار باشد که هیچ دولتی جرئت حمله به آن را نیابد (ملکی، ۱۳۷۸: ۲۷۷).

رژیم صهیونیستی با اطلاع از اینکه نمی‌تواند با به‌کارگیری نیروی نظامی به اهداف سیاسی بلندمدت خود نائل آید و تهدیدات امنیتی خود را مرتفع سازد، به دنبال بازدارندگی می‌باشد و از این رو بازدارندگی در مرکز و محور دکترین امنیتی و نظامی رژیم صهیونیستی قرار دارد.

رژیم صهیونیستی در مقابل کسانی که با هدف ضربه به «بقای رژیم صهیونیستی» سعی در برهم زدن توازن قدرت داشته باشند، مقابله می‌کند و حتی با آن‌ها وارد جنگ می‌شود. به همین علت، رژیم صهیونیستی حق مبادره به جنگ‌های پیشگیرانه و حمله به اهدافی خاص که می‌تواند دست‌یابی به دشمنی را که ظرفیت‌های ضربه زدن به رژیم صهیونیستی را دارند، برای خودش محفوظ می‌داند. لذا از هشیاری به‌عنوان یک راهبرد پایه‌ای و ضروری یاد می‌کنند.

نیاز به جلوگیری از توسعه تغییردهنده بازی که ممکن است منجر به تغییر در توازن قدرت شوند، باعث شده است رژیم صهیونیستی نیاز به پذیرفتن خطر - گاهاً در ابعاد بزرگ - را داشته باشد. بهترین مثال این امر، رشته عملیات‌های بین‌جنگی است که با هدف از بین بردن تهدیدات آینده و تضمین برتری کیفی اطلاعاتی رژیم صهیونیستی انجام می‌شوند. به همین علت، نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی و جامعه اطلاعاتی آن، در طول سالیان اخیر دست به عملیات‌هایی زده‌اند که گاهاً فراتر از حد تخیل بوده‌اند. بر این اساس

گفته شده است که «جسارت تاکتیکی» روی دیگر و مکمل ضروری «هشیاری راهبردی» است و تولید بازدارندگی نیز می‌کند (یاکو امیدور: ۲۰۲۱).

مؤلفه‌های بازدارندگی رژیم صهیونیستی شامل عناصر «سخت» و «نرم» به شرح زیر می‌باشد:

الف. عناصر سخت

عناصر سخت مانند برتری فناوری در مقایسه با فناوری که همسایگان رژیم صهیونیستی قادر به میدان دادن هستند و ارتش ثابت بزرگ و بسیار حرفه‌ای با ارتش ذخیره بسیار مؤثر که می‌تواند به سرعت بسیج شود. توانایی بازدارندگی دشمنان، قبل از هر چیز مبتنی بر توانایی‌های نظامی رژیم صهیونیستی است. این توانمندی‌ها شامل موارد زیر است:

(۱) نیروی نظامی شامل یک ارتش زمینی نسبتاً بزرگ، یک نیروی ذخیره که دائماً آموزش دیده و وسیله‌ای کارآمد برای بسیج است و «بازوی بلند» نیروهای هوایی و دریایی.

(۲) یک دکترین نظامی در سطوح تاکتیکی که فرماندهان کوچک‌تر را توانمند می‌کند و بنابراین انعطاف‌پذیری و واکنش سریع به موقعیت‌های جنگی را ممکن می‌سازد.

(۳) یک «نقطه کیفی» تکنولوژیکی که از طریق یک قابلیت فناوری بومی که از همکاری متقابل بین سیستم آموزشی (از سطح دبیرستان به بالا)، صنعت غیرنظامی و تشکیلات دفاعی و امنیتی سود می‌برد، به دست می‌آید و حفظ می‌شود.

(۴) برتری منابع انسانی که از طریق خدمت نظامی اجباری جهانی به دست می‌آید که به بدنه‌های دفاعی رژیم صهیونیستی این امکان را می‌دهد تا از بهترین عناصر جامعه در سنین جوانی استفاده کنند و از قابلیت‌های آنها در طول خدمت سربازی خود بهره ببرند. این شامل یک «ذخیره آکادمیک» نسبتاً گسترده است.

(۵) تفاهم با منابع عمده غربی تسلیحاتی به خاورمیانه (یعنی معمولاً شامل روسیه نمی‌شود اما در برخی شرایط از جمله روسیه را دربر می‌گیرد) مبنی بر عدم عرضه "سلاح‌های برهم زنده تعادل" به همسایگان رژیم صهیونیستی (بار، ۲۰۲۰: ۳۲۶).

ب. عناصر نرم

عناصر نرم از جمله اجماع گسترده رژیم صهیونیستی در مورد توجیه و مشروعیت جنگ در هنگام حمله به میهن، مقاومت ملی قوی در زمان جنگ و در برابر حملات در جبهه داخلی؛ تلقی از رژیم صهیونیستی به عنوان یک ابرقدرت اطلاعاتی با توانایی بالا در کشف اسرار دشمنان خود و انجام حملات دقیق علیه چنین اهدافی. شهرت پیش‌دستی و حمل جنگ به داخل خاک دشمن و اتحاد با ایالات متحده و حمایت گسترده بین‌المللی از عملیات دفاعی در هنگام حمله می‌باشد (بار، ۲۰۲۰: ۳۲۲).

۲-۱-۲-۴. هشدار سریع

چنانچه اصل بازدارندگی نتواند موفق باشد و یک قدرت خارجی به فراهم آوردن نیرو و توان لازم مبادرت ورزد و یا جرئت حمله به رژیم صهیونیستی را بیابد، نظام اطلاعاتی رژیم صهیونیستی باید پیش از حمله، با خبر شود و به سرعت هشدار لازم را بدهد تا با اتخاذ اقداماتی نظیر ضربات پیشگیرانه و تهاجم پیش‌دستانه، مانع از نابودی رژیم شوند (کرمی، ۱۳۸۶: ۱۰۱). بنابراین مرحله هشدار سریع، نقش دوگانه‌ای در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی دارد؛

نخست اینکه هشدار سریع هنگام شکست احتمالی بازدارندگی اهمیت بسیاری پیدا می‌کند و به منظور پاسخ سریع به هرگونه تهدید دشمن نیز لازم و ضروری می‌باشد. از همین رو رژیم صهیونیستی باید قدرت اطلاعاتی بسیار بالایی برای شناسایی عوامل تهدید پیش از وقوع آن داشته باشد تا امکان بسیج عمومی یا اقدام پیش‌دستانه فراهم شود. این موضوع به ویژه در جریان جنگ شش‌روزه (۱۹۶۷) اهمیت خود را برای رژیم صهیونیستی نشان داد.

مورد دوم نیز مربوط به جنگ روانی و نفوذ به بالاترین سطوح در صفوف دشمن می‌باشد که علاوه بر نشان دادن قابلیت‌های اطلاعاتی دولت یهود، مقاصد رقیبان و دشمنان رژیم صهیونیستی را به‌موقع دریافت می‌کند؛ همانند اقدام رژیم صهیونیستی در ربایش و انتشار اسناد برنامه هسته‌ای ج.ا.ایران (بار، ۲۰۲۰: ۳۳۵). در این راستا رژیم صهیونیستی تلاش نموده است نیروهای اطلاعاتی زیادی را جذب و حفظ کند که مأموریت‌های موازی و مکمل را انجام دهند، به این منظور که:

الف) فهم بهتری از محیط راهبردی داشته باشند و بتوانند اخطارهای مربوط به تهدیدات علیه رژیم صهیونیستی را به اندازه کافی زود دریافت کنند و از خطرهای، قبل از رخ دادن جلوگیری کنند.

ب) با ظهور و افزایش اهمیت تسلیحات پرتابی با دقت بالا، این ضروری است که از قابلیت رهگیری اطلاعاتی اهداف برخوردار باشند تا بتوانند همزمان با تعداد زیادی از این اهداف درگیر شوند و آتش را در جایی که بیشترین تأثیر را دارد متمرکز کنند.

پ) جنگ اطلاعاتی: جامعه اطلاعاتی همچنین برای رژیم صهیونیستی، ظرفیت عملکرد تحت راداری را فراهم می‌کند. تا بتوانند بدون استفاده عمومی و آشکار از نیروهای خود، از توانمندی آنها بهره ببرند. امروزه، این کار تحت عنوان رشته عملیات‌های بین جنگی انجام می‌شود (یاکو امیدور، ۲۰۲۱).

۳-۲-۱-۴. تصمیم‌گیری نظامی

«تصمیم‌گیری نظامی» به توانایی بازداشتن دشمن از تداوم جنگ، یا نابودی توانمندی‌های نظامی آن یا تضعیف میل و اراده روانی او برای انجام این کار اشاره می‌کند. بنابراین، دکترین نظامی رژیم صهیونیستی بر این اصل استوار است که در صورت شکست «سیاست بازدارندگی» و غفلت سیستم‌های هشدار سریع، باید بتوان عملیات نظامی دشمن را خنثی و با کشاندن جنگ به سرزمین آنها، نیروهای دشمن را نابود کرد. این عملیات باید به‌سرعت انجام گیرد و حملات باید قاطع باشد، زیرا اقتصاد، جمعیت و نیروهای رژیم صهیونیستی امکان درگیری در یک جنگ طولانی را ندارند و در صورت ورود عوامل

خارجی به جنگ، امکان خاتمه یافتن جنگ در پشت میزهای مذاکره به ضرر رژیم صهیونیستی، وجود دارد (کرمی، ۱۳۸۶: ۱۰۲). این مفهوم به‌نوعی با مفهوم بازدارندگی در ارتباط است. به‌طوری‌که شموئل بار اذعان می‌دارد:

«در هر تقابل نظامی بین رژیم صهیونیستی و دشمنانش، ترمیم بازدارندگی یکی از اهداف کلیدی راهبردی جنگ محسوب می‌گردد» (بار، ۲۰۲۰: ۳۳).

رشد تهدیدات، نتیجه رشد ظرفیت‌های کمی و کیفی طرف مقابل است. در صورت تحقق این تهدیدات، خطرات راهبردی بسیار شدیدی برای طرف مقابل ایجاد می‌شود؛ زیرا ممکن است توانایی نیروهای نظامی برای جنگیدن را از بین ببرند و بر عملکردهای داخلی تأثیر بگذارند. «یاکو آمیدرو» در این خصوص اذعان می‌دارد که: «با توجه به حاشیه کم امنیت رژیم صهیونیستی، سیاست ما باید آگاهانه و حساب شده باشد. رژیم صهیونیستی باید از کشیده شدن به درون جنگ‌های غیرضروری پرهیز کند و اگر هیچ گزینه‌ای برای جلوگیری از خطرات بزرگ در آینده نباشد، دست به جنگ‌های پیشگیرانه بزند. باین‌حال رژیم صهیونیستی باید نگاهی نیز به فرصت‌ها و موقعیت‌هایی که ممکن است ایجاد شوند داشته باشد. خصوصاً در زمان‌های تغییرات گسترده و یا بحران‌های عمیق و بزرگ. برای اینکه بتواند از آنها، حتی در صورت عدم وجود تضمین موفقیت، استفاده کند. برقراری و حفظ تعادل پیچیده بین هشیار بودن و بهره‌گیری از فرصت‌ها، یکی از چالشی‌ترین جنبه‌های تصمیم‌گیری است. این سطح از پیچیدگی، یکی از دلایلی است که احتیاج به منابع زیادی برای ساخت و استفاده از نیروها وجود داشته باشد که این موضوع در زمان‌های آرامش و غیرجنگی نیز صدق می‌کند» (یاکو آمیدرو، ۲۰۲۱).

۴-۲-۱-۴. دفاع مدنی

رژیم صهیونیستی علی‌رغم نیروی نظامی قدرتمند، اما همچنان با چالش‌هایی روبه‌رو است که جغرافیا و جمعیت این رژیم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در قرن بیست و یکم، با ایجاد تغییراتی در محیط راهبردی رژیم صهیونیستی از قبیل تغییر تهدیدهای متعارف به تهدیدهای غیرمتعارف و نامتقارن و نیز، رشد حملات چریکی و استشهادی که به‌راحتی به عمق سرزمینی دولت یهود نفوذ می‌کند و جبهه داخلی علیه دولت یهود شکل می‌گیرد،

مسئله دفاع اهمیت بسیاری پیدا کرده است. به طوری که علاوه بر مؤلفه‌های بازدارندگی، هشدار سریع و تصمیم‌گیری نظامی، مؤلفه «دفاع مدنی» یا به طور کلی مفهوم «دفاع» نیز به دکترین نظامی رژیم صهیونیستی اضافه گردیده است (شاباتی، ۲۰۱۰: ۱۰-۱۱).

«میدور» و «الدادی» از ژنرال‌های برجسته رژیم صهیونیستی در خصوص دفاع مدنی بیان می‌دارند؛ دفاع شامل تمام تلاش‌ها در سطح ملی برای حفاظت از جبهه داخلی است که به عرصه اصلی نبرد، و به‌ویژه به دفاع از مردم و زیرساخت‌های استراتژیک مربوط می‌شود. همچنین «دفاع مدنی» متوجه حفاظت از تأسیسات حساس، مراکز جمعیتی و اطلاعات رسمی می‌باشد (میدور و الدادی، ۲۰۱۹: ۴۴).

موضوع دفاع به‌طور ویژه به تهدیدهای نامتقارن که از سوی جنبش‌های داخلی سرزمین‌های اشغالی صورت می‌گیرد و اقدامات چریکی که از سوی نیروهای غیردولتی همچون حزب‌الله لبنان ایجاد می‌شود، مرتبط می‌باشد. بنابراین موضوع دفاع که در مفهوم حفاظت است، عمدتاً درگیر ایجاد مکانیسم‌های مؤثر برای محافظت از جبهه داخلی در برابر موشک‌ها است. رژیم صهیونیستی اهمیت این مسئله را به‌ویژه پس از جنگ سی‌وسه روزه با حزب‌الله در سال ۲۰۰۶ و درگیری‌های متعدد با نوار غزه احساس کرد (نحاس، ۱۴۰۰: ۱۳).

۲-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

یکی از بارزترین و مهم‌ترین موضوعات و دستاوردهای مورد توجه در اجرای عملیات «طوفان الاقصی»، شکست رژیم صهیونیستی در هر ۴ اصل دکترین نظامی خود می‌باشد. «طارق دنا»^۱ استادیار علوم سیاسی موسسه دوحه در این زمینه می‌نویسد:

«طوفان الاقصی، زمین‌لرزه راهبردی را برانگیخت که ارتش رژیم صهیونیستی و دکترین آن را تا حد زیادی تکان داد و مجموعه‌ای از سؤالات را در مورد استراتژی‌های آینده برای مدیریت اشغال فلسطین و موازنه‌های جدیدی که ممکن است منطقه را تغییر دهد، برانگیخت» (دنا، ۲۰۲۳).

^۱.Tariq Dana

طبق دکترین نظامی که پیشتر به آن اشاره شد، بازدارندگی در اولین مرحله از عناصر دکترین نظامی رژیم صهیونیستی قرار دارد و زیربنای دکترین نظامی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. بر اساس این اصل، رژیم صهیونیستی باید چنان قدرت بازدارندگی ایجاد کند که دشمنانش به فکر حمله، آن هم حمله همه‌جانبه به رژیم صهیونیستی نیفتند. باین‌حال عملیات طوفان الاقصی و دستاوردی‌های آن، قدرت بازدارندگی این رژیم را در منطقه و حتی جهان با چالش اساسی مواجه نمود. به‌گونه‌ای که، عملاً برگرداندن قدرت بازدارندگی این رژیم، کاری سخت و در برخی زمینه‌ها غیرممکن است.

رژیم صهیونیستی در مدت هفتادوپنج سال موجودیت خود و به‌ویژه از سال ۲۰۰۵ که از غزه عقب‌نشینی کرد، سعی نمود که با صرف هزینه‌های بسیار و به‌کارگیری فناوری‌های سطح بالا، قدرت بازدارندگی خود را هم در ذهن و هم در رفتار دیگر بازیگران منطقه‌ای به کرسی بنشاند؛ باین‌حال، طوفان الاقصی و غافلگیری رهبران نظامی و سیاسی این رژیم، قدرت بازدارندگی آن را زیر سؤال برد. افزون بر عملیات گروه‌های فلسطینی، در حوادث پس از هفت اکتبر ۲۰۲۳، بسیاری از زیرساخت‌های اساسی رژیم صهیونیستی توسط اعضای محور مقاومت از جمله انصارالله، حزب‌الله و گروه‌های عراقی مورد حمله قرار گرفت که این رخداد نیز در نوع خود بی‌سابقه بود.

بازدارندگی رژیم صهیونیستی نه‌تنها در مقابل عملیات طوفان الاقصی ناکام ماند، بلکه زمینه را برای حمله دیگر گروه‌های مقاومت فراهم کرد که این امر به‌نوبه خود بازدارندگی رژیم صهیونیستی را هم در بعد مادی و هم در بعد ادراکی زیر سؤال برد (دعنا، ۲۰۲۳). فروپاشی قدرت بازدارندگی رژیم صهیونیستی آن هم توسط گروه غیردولتی که ۱۷ سال در محاصره بود، انگاره شکست‌ناپذیری رژیم صهیونیستی را در بعد منطقه‌ای و بین‌المللی از بین برد؛ چنین امری با توجه به محیط آشوبناکی که رژیم صهیونیستی در آن زیست می‌کند، می‌تواند چالش‌هایی برای این رژیم به وجود آورد.

دومین اصل از دکترین نظامی، «هشدار سریع» می‌باشد. این اصل ناظر بر توانمندی سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی است که قبل از جنگ، نهادهای مرتبط را برای اقدام پیشگیرانه و پیشدستانه باخبر سازد. باین‌حال، طوفان الاقصی، دومین اصل از دکترین

نظامی رژیم صهیونیستی را نیز خدشه‌دار کرد و ضربه بزرگی به انگاره توانمندی اطلاعاتی-امنیتی رژیم صهیونیستی زد.

رژیم صهیونیستی در این عملیات کاملاً غافلگیر شد و عملاً نتوانست واکنش مؤثری از خود نشان بدهد. دستگاه‌های اطلاعاتی، سامانه‌های اعلام هشدار هوایی، زمینی، بالن‌ها و سیستم‌های جمع‌آوری‌کننده و موانع فیزیکی استقرای در اطراف غزه هیچ‌کدام نتوانستند مانع غافلگیری ارتش شوند.

پنهان ماندن عملیاتی با این مقیاس از دید دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم، نشان‌دهنده افزایش قدرت اطلاعاتی و امنیتی حماس در سال‌های اخیر است. چراکه مبارزان فلسطینی به خوبی توانستند این عملیات گسترده و پیچیده را در نوار غزه با جغرافیای بسیار کوچک که در سیطره کامل اطلاعاتی رژیم صهیونیستی بوده و آن را از زمین، هوا و دریا تحت کنترل خود دارد؛ «طرح‌ریزی»، «عملیاتی» و «تداوم» دهند.

همچنین در این خصوص می‌توان به سخنرانی «هرتزی هالوی» رئیس ستاد کل ارتش در کنفرانس هرتزیای ۲۰۲۳ اشاره نمود که اذعان می‌دارد؛ «یگان‌های ارتش رژیم صهیونیستی تمامی مرزها را به خوبی تحت کنترل دارند و همه ما به لطف انجام چنین اقداماتی از نعمت امنیت برخوردار هستیم.» و یا سخنرانی «آهارون حالیوا» رئیس اداره اطلاعات ارتش (آمان) در کنفرانس مذکور که بیان می‌دارد؛ «حماس از لحاظ مالی در شرایط مناسبی نیست و بدهی‌های بسیاری دارد و قادر به انجام حملات راکتی از جنوب نیست.» این مسئله در گفته «تزاخی هانگی» رئیس شورای امنیت رژیم صهیونیستی بیشتر نمود می‌یابد که گفته بود، «حماس حداقل برای پانزده سال آینده، بازدارنده است» (هرتزیایا، ۲۰۲۳). لازم به ذکر است در اظهارات دیگر سخنرانان این کنفرانس هیچ اشاره‌ای به تهدید حماس نشده است.

سومین اصل «تصمیم‌گیری نظامی» می‌باشد. تصمیم‌گیری نظامی به توانایی ممانعت از تداوم درگیری‌ها به‌واسطه نابودی قابلیت‌های نظامی یا تضعیف روانی دشمن با هدف پایان دادن به درگیری و دستیابی به پیروزی کامل و تحمیل پذیرش پایان درگیری است.

در صورتی که در عملیات طوفان الاقصی، گروه‌های مقاومت همچنان و به صورت روزانه مناطقی از رژیم صهیونیستی را با راکت و موشک مورد هدف قرار می‌دهند. تصمیم‌گیری نظامی، هم در آغاز جنگ که عملاً صهیونیست‌ها ناتوان از تحلیل شرایط بودن و هم در جریان جنگ، بیش‌ازپیش خود را نشان داد. علی‌رغم گذشت بیش از سه ماه از جنگ، تشتت نظرات در بین نخبگان رژیم صهیونیستی درباره آینده جنگ و راهبردهای پیاده ساختن آن، تصمیم‌گیری نظامی را با مشکلات عدیده‌ای مواجهه ساخته است و عملاً رژیم صهیونیستی را به بن‌بست راهبردی کشانده است.

چهارمین اصل از دکترین نظامی رژیم صهیونیستی «دفاع مدنی» است. دفاع نیز به واسطه شکست در این جنگ به نتایج فاجعه‌باری برای این رژیم منجر شد. با توجه به تحمیل خسارات فراوان به زیرساخت‌ها و سایر موارد ناشی از اجرای عملیات طوفان الاقصی، عملاً این اصل نیز در طوفان الاقصی خدشه‌دار شده است.

رژیم صهیونیستی نه تنها نتوانست در مقابل حماس و گروه‌های فلسطینی بازدارندگی ایجاد کند، بلکه در حدود سه ماه -در بازه زمانی نگارش مقاله حاضر- است که سرزمین‌های اشغالی وارد جنگ با گروه‌های مقاومت شده است و رژیم صهیونیستی نتوانسته از شهروندان خود دفاع کند. گذشته از این، آوارگی چند صد هزار صهیونیست در شمال و جنوب فلسطین اشغالی و بحران‌های روانی ناشی از عملیات طوفان الاقصی، امنیت اجتماعی رژیم صهیونیستی را هدف قرار داد که ممکن است تا سال‌ها ادامه یابد. در همین خصوص، «کوبی مایکل» از تحلیلگران ارشد رژیم صهیونیستی می‌نویسد:

«حملة حماس نه تنها غافلگیرکننده و در نتیجه شکست‌های عظیم اطلاعاتی و عملیاتی، بلکه دارای هزینه‌های بسیاری است که از آن چیزی که به نظر می‌رسد، فراتر است و برای سالیان متمادی در حافظه ملی رژیم صهیونیستی خواهد ماند» (مایکل، ۲۰۲۳).

عملاً شکست دکترین نظامی رژیم صهیونیستی در جریان طوفان الاقصی، سبب شده است که رژیم صهیونیستی، برخلاف ایده‌ها و شعارهای خود که مبتنی بر محافظت از یهودیان است، به ناام‌ترین نقطه جهان تبدیل شود.

در سال‌های اخیر رژیم صهیونیستی همواره با تکیه بر اصولی مانند «دفاع مؤثر»، «تهاجم سریع و بدون درنگ به منابع تهدید» و «اعلام هشدار به موقع برای ممانعت از غافلگیری» تأکید می‌کرد و در این راستا، سامانه‌های هشدار اولیه متعدد هوایی، دریایی، زمینی و فضایی، ساختارهای منسجم فرماندهی کنترل و مدیریت صحنه نبرد و... با تمرکز بر تکنولوژی‌های نوین نظامی ایجاد کرده بود؛ اما همه این زیرساخت‌ها نتوانست مانع بروز این فاجعه برای صهیونیست‌ها شود.

نیروی هوایی به‌عنوان بازوی استراتژیک، همواره از اصلی‌ترین ارکان مقابله با دشمنان رژیم صهیونیستی مطرح بود؛ اما عملیات اخیر نشان داد که؛ تناسب معناداری مابین ارکان قدرت ارتش در حوزه‌های هوایی، دریایی و زمینی و اطلاعاتی به‌صورت متوازن و مؤثر با منابع تهدید در این رژیم وجود ندارد. رژیم صهیونیستی در این جنگ حتی در اجرای برخی از ارکان فرعی راهبرد نظامی خود شامل «عملیات پیش‌دستانه» و «انتقال جنگ به داخل قلمرو دشمن» نیز شکست خورد.

۱-۲-۴. آینده جنگ و چالش اصلی فرا روی رژیم صهیونیستی

این جنگ، مداوم و در حال توسعه می‌باشد؛ در واقع به مراحل روشن و واضح قابل تقسیم‌بندی نمی‌باشد و از این نظر در قلمرو عدم قطعیت قرار دارد. لذا ارزیابی اینکه ادامه جنگ چگونه پیش می‌رود، دشوار است. با این وجود اگر این عملیات را به بازه‌های زمانی و مراحل مختلف تقسیم‌بندی کنیم، ادراک این واقعیت آسان‌تر می‌شود.

الف. در مرحله اول یعنی آغاز جنگ و شروع بحران -با وجود غافلگیری- رزمندگان حماس توانستند با برنامه‌ریزی و طرح‌ریزی دقیق یک عملیات جامع منطبق بر سناریوهای آفندی و پدافندی، رژیم صهیونیستی را غافلگیر نماید و در این مرحله پیروز کارزار شوند.

ب. در مرحله بعد، رژیم صهیونیستی که نظام محاسباتیش به‌هم‌ریخته بود، دیوانه‌وار و به شکل هوایی شروع به بمباران مردم غیرنظامی و کودکان نموده است. تبعات این حمله برای رژیم صهیونیستی سنگین می‌باشد. به‌گونه‌ای که برون‌رفت از وضعیت فعلی نیز

چندان ساده نمی‌باشد؛ چرا که اقتناع افکار عمومی در شرایط فعلی کار بسیار سختی می‌باشد.

پ. این رژیم در مرحله سوم و بعد از عملیات زمینی، نمی‌تواند عملیات تثبیت را به انجام رساند. این مرحله از جنگ، طولانی و فرسایشی خواهد بود؛ چراکه این رژیم قادر نخواهد بود که بین حملات هوایی و زمینی ادغام و یکپارچگی عملیاتی را به وجود آورد. لذا جبهه مقاومت حماس با صلابت به ادامه جنگ در غزه ادامه خواهد داد و رژیم صهیونیستی با فرسایشی شدن جنگ با رکود اقتصادی و مشکلات در جبهه داخلی مواجهه خواهد شد.

ت. تاکنون تنها پاسخ رژیم صهیونیستی، اقدام نظامی و پاسخی ویرانگر بدون تفکر در خصوص پایان آن انجام داده است و به نظر می‌رسد که این رژیم در تلاش یک‌جانبه خود برای نابودی حماس، ابتکار عمل برای برنامه‌ریزی آنچه باید پس از پایان جنگ اتفاق بیفتد را به متحدان غربی خود واگذار کرده است.

رهبران غرب سناریوهای مبهمی را مطرح کرده‌اند که به نظر می‌رسد هیچ‌کدام از آنها امید زیادی به تحقق ندارند. لذا بر اساس شرایط میدانی صحنه نبرد، می‌توان سناریوی «فریز شدن نبرد در وضعیت موجود» را برای آینده محتمل دانست. این سناریو شامل؛ عدم موفقیت حماس در عقب‌راندن ارتش از مناطق اشغالی و عدم توان ارتش رژیم صهیونیستی در تکمیل اشغال مناطق باقی‌مانده از شمال، فشارهای افکار عمومی داخلی به سران رژیم برای مصالحه و پذیرش طرح‌های آتش‌بس می‌باشد.

توانمندی مقاومت در متوقف‌سازی ارتش در همین محدوده‌های اشغالی از طریق تشدید فشارهای میدانی و جنگ پارتیزانی، تشدید جنگ روانی با ابزار اسرا علیه فضای اجتماعی رژیم، استمرار فشارهای سایر اجزاء محور مقاومت به رژیم و ادامه حمایت افکار عمومی دنیا از مقاومت نیازمند می‌باشد. با توجه به شرایط داخلی رژیم و موفقیت‌های میدانی مقاومت در خسارت بار کردن نبرد غزه برای ارتش و موفقیت مقاومت در تبدیل موضوع اسرا به یک بحران در جامعه صهیونیست‌ها و همچنین فشارهای سایر اجزاء

مقاومت در جبهه شمال و جبهه نبرد دریایی، احتمال وقوع این سناریو و شکل‌گیری یک آتش‌بس با پشتوانه شورای امنیت از احتمال قابل توجهی برخوردار است.

۵. نتیجه‌گیری

به دلیل عدم عمق استراتژیک رژیم صهیونیستی، منابع محدود آن (در مقایسه با هر ائتلافی از دشمنانش) و حساسیت بالای آن نسبت به تلفات غیرنظامی، این رژیم نمی‌تواند حتی کوچکترین شکست تاکتیکی را بپذیرد. بنابراین، امنیت آن قبل از هر چیز بر بازدارندگی دشمنانش متکی می‌باشد. در نتیجه، اولین و اصلی‌ترین مرحله از اصول «چهارگانه» دکترین نظامی رژیم صهیونیستی، بازدارندگی می‌باشد.

نقش بازدارندگی در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی بسیار مهم است. چراکه؛ هم اولین اصل است و هم «محصول» اجزای دیگر می‌باشد. همچنین از نظر سرمایه‌گذاری اقتصادی و حفظ جان انسان‌ها، کم‌هزینه‌ترین مؤلفه است. لذا توجه اساسی برای مرکزیت دادن بازدارندگی در دکترین نظامی رژیم صهیونیستی، در ناتوانی به رسمیت شناخته شده این رژیم در پرداخت هزینه‌های اقتصادی و نظامی بالای حفظ وضعیت خصمانه، جنگ‌های فرسایشی یا حالت آماده‌باش دائمی می‌باشد.

رزمندگان مقاومت فلسطین با توکل به خداوند و آنجا که در آیه ۳۹ سوره حج می‌فرماید: «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به مسلمانان که مورد قتل (و غارت) قرار گرفته‌اند رخصت (جنگ با دشمنان) داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است». با اجرای مرحله‌ای عملیات طوفان الاقصی و بر اساس طرح‌ریزی منظم و منطبق با یک طرح عملیاتی جامع، موفق شده است رژیم صهیونیستی را در هر ۴ اصل دکترین نظامی (بازدارندگی، هشدار سریع، تصمیم‌گیری نظامی، دفاع مدنی) شکست دهد و مهم‌ترین، پرثمرترین و بی‌سابقه‌ترین ضربات را به این رژیم تحمیل نماید؛ به گونه‌ای که «سید حسن نصرالله» در سخنرانی خود اشاره می‌کند؛ «در نبردهای جهان امروز، نبردی مشروع‌تر، اخلاقی‌تر و دینی‌تر از نبرد فلسطینیان با صهیونیست‌ها نمی‌یابیم».

همچنین مطالعه اصول دکترین نظامی رژیم صهیونیستی و بررسی اسناد مراکز مطالعاتی و مصاحبه‌های تحلیلگران برجسته جهان و حتی صاحب‌نظران رژیم صهیونیستی به ناتوانی ارتش رژیم صهیونیستی اذعان نموده‌اند. عملیات طوفان الاقصی ثابت کرد که قدرت نظامی رژیم صهیونیستی پوشالی بوده و توان بازدارندگی در مقابل گروه‌های جهادی و مبارز مقاومت را ندارد.

در مقابل، رژیم صهیونیستی نیز به‌منظور بازگرداندن قدرت بازدارندگی خود که پس از اجرای عملیات طوفان الاقصی تا حدودی تضعیف و حتی از بین رفته بود، بدون تفکر در خصوص پایان آن وارد یک جنگ ویرانگر و فرسایشی در نوار غزه با عنوان عملیات «شمشیر آهنین» گردید؛ چراکه این رژیم معتقد است که موقعیت منطقه‌ای آن ناشی از قدرت نظامی و بازدارندگی می‌باشد. لذا تعدیل این موقعیت، نه‌تنها روند نفوذ منطقه‌ای این رژیم (عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه) را با مشکل مواجه می‌نماید بلکه به معنای تهدیدی برای حاکمیت و موجودیت این رژیم محسوب می‌گردد.

باین‌وجود نتایج و پیامدهای این عملیات به‌صورت کمی و کیفی در دیگر سطوح کلان سیاست‌های داخلی و خارجی رژیم صهیونیستی و به‌ویژه بازنگری در طرح‌های جدید نظامی اثرات گسترده‌ای بر جای خواهد گذاشت.

منابع

الف - فارسی

- ابراهیمی، نبی‌الله، و مشیرزاده، حمیرا (۱۴۰۰). *تحول مفاهیم در روابط بین‌الملل*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بردبار، احمدرضا، و عالیشاهی، عبدالرضا (۱۴۰۲). «تحلیل جهش پارادایمی جنبش حماس در عملیات ۷ اکتبر ۲۰۲۳ (تغییر رویکرد پدافندی به آفندی)»، *بحران پژوهی جهان اسلام*، ۱۰(۲)، ۸۲-۱۱۴.
- قیاسی، وحید (۱۳۸۹). «تحول مفهوم بازدارندگی در چارچوب راهبرد امنیتی رژیم صهیونیستی»، *سیاست خارجی*، ۲۴(۳)، ۸۷۵-۸۹۸.
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۶). *دکترین نظامی رژیم صهیونیستی*. تهران: اندیشه نور.
- نحاس، فادی (۱۴۰۰). *رژیم صهیونیستی شناسی ۲۰۲۰: نهادهای نظامی و امنیتی*. جلد ۴. ترجمه اخوان، محمدجواد. تهران: انتشارات دیدمان.
- مقومی، امیررضا، و قادری کنگاوری، روح‌الله (۱۴۰۱). «تغییر و تداوم در اصول امنیت ملی رژیم صهیونیستی»، *فصلنامه محیط‌شناسی راهبردی ج.ا.ایران*، ۶(۲)، ۹-۳۸.
- مقومی، امیررضا (۱۴۰۲). «تل‌آویو پس از طوفان الاقصی، ناامن‌ترین نقطه جهان است»، *روزنامه ایران*، قابل دسترسی در: <https://irannewspaper.ir>.
- ملکی، محمدرضا (۱۳۷۸). «روابط راهبردی ایران و دولت یهود تا پیروزی انقلاب اسلامی»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ۱۳(۵۲)، ۱۰۸۹-۱۰۶۹.

ب - انگلیسی

- Allison, G. (2016). "Deterring Terror How Israel Confronts the Next Generation of Threats". In: *Belfer Center for Science and International Affairs*. Harvard Kennedy School.
- Badry E. M. (2019). "The Domestic Political Unrest and the Military Doctrine Change in the Neighborhood: Arab Uprisings and Israel (2011-2015)", *Security Dimensions*, 29 (29), PP. 64-109.
- Bar, S. (2020). "Israeli strategic deterrence doctrine and practice", *Comparative Strategy*, 39 (4), PP. 321-353.
- Gross, J. A. (13 February 2020). "The IDF's new plan: From 'Waze of War' to a general charged with countering Iran", *The Times of Israel*, [Online].

Available: <https://www.timesofisrael.com/from-waze-of-war-to-a-general-devoted-to-countering-iran-the-idfs-new-plan/>.

- Gross, J. A. (2019). "IDF unveils 'Momentum Plan' to make it deadlier and faster, if it can pay for it", *The Times of Israel*, Available: <https://www.timesofisrael.com>.
- Herzog, M. (2019). *Iran Across the border Israel's Pushback in Syria*. The Washington Institute for Near East Policy.
- Levite, A. (2019). *Offense and Defense in Israeli Military Doctrine*. UK: Routledge
- Lappin, Y. (27 December 2019). "Israeli chief of staff's speech underlines sobering fact that it's fighting Iran alone", *Jewish News Syndicate*, [Online]. Available: <https://www.jns.org/israeli-chief-of-staffs-speech-underlines-the-sobering-fact-that-its-fighting-iran-alone/>
- Lappin, Y. (22 March 2020). "The IDF's Momentum Plan Aims to Create a New Type of War Machine", *BESA Center Perspectives*, Paper No. 1, 497.
- Meridor, D., Eldadi, R. (2019). "Israel's National Security Doctrine: The Report of the Committee on the Formulation of the National Security Doctrine". *Institute for National Security Studies*, Memorandum No. 187.
- Michael, K. (2023). "Israel at War: The Meaning of the Surprise and the Goals for the Future", Available: https://www.inss.org.il/social_media/israel-at-war-the-meaning-of-the-surprise-and-the-goals-for-the-future/
- Samaan, J.L. (2023). "Decisive Victory' and Israel's Quest For a New Military Strategy", *Middle East Policy*, 30 (3), PP. 3–15.
- Yossef, A. (2021). "Military Doctrines in Israel and Iran: a Doctrinal Hybridity", *The Middle East Journal*, 75 (2), PP. 243-263.
- SIPRI (2022). "Global nuclear arsenals are expected to grow as states continue to modernize – New Yearbook out now", *Stockholm International Peace Research Institute (SIPRI)*, 13 June 2022, Available: <https://www.sipri.org/media/press-release/2022/global-nuclear-arsenals-are-expected-grow-states-continue-modernize-new-sipri-yearbook-out-now>
- Shabtai, S. (2010). "Israel's National Security Concept: New Basic Terms in the Military-Security Sphere", *Strategic Assessment*, 13 (2), PP. 7-18
- Szenes, Z. (2023). "Reinforcing deterrence: assessing NATO's 2022 Strategic Concept", *Journal of Defense & Security Analysis*, 39 (4), PP.874-891.
- <https://www.aljazeera.com/news/2023/10/11/how-big-is-israels-military-and-how-much-funding-does-it-get-from-the-us>.
- <https://www.sipri.org/yearbook/2022>.
- <https://www.dohainstitute.org/en/PoliticalStudies/Pages/the-fall-of-the-iron-wall-israeli-military-doctrine-in-crisis-after-al-aqsa-flood.aspx>.

